

دانشور

روانشناسی بالینی و شخصیت

روانشناسی بالینی و شخصیت

• دریافت مقاله: ۸۸/۴/۷

• ارسال برای داوران:

۸۸/۴/۷ (۱)

۸۸/۴/۷ (۲)

۸۸/۴/۷ (۳)

• دریافت نظر داوران:

۸۸/۷/۲۷ (۱)

۸۸/۶/۱۴ (۲)

۸۸/۵/۳۱ (۳)

• ارسال برای اصلاحات:

۸۸/۷/۲۱ (۱)

۸۸/۹/۲۳ (۲)

• دریافت اصلاحات:

۸۸/۸/۲۵ (۱)

۸۸/۹/۲۹ (۲)

• ارسال برای داور نهایی:

۸۸/۹/۱ (۱)

• دریافت نظر داور نهایی:

۸۸/۹/۱۷ (۱)

• پذیرش مقاله: ۸۸/۱۰/۹

Scientific-Research Journal
Of Shahed University
Seventeenth Year, No.43
Oct.-Nov. 2010
Clinical Psy & Personality

دوماهنامه علمی - پژوهشی

دانشگاه شاهد

سال هفدهم - شماره ۴۳

آبان ۱۳۸۹

بررسی نقش تجربه خشونت در دوران کودکی و الگوهای رفتاری خشونت و صمیمیت در دانشجویان متاهل

نویسندگان: دکتر اکرم خمسه*^۱ و دکتر سیمین حسینیان^۲

۱. استادیار دانشگاه الزهرا

۲. استاد دانشگاه الزهرا

* Email: akramkhamseh@yahoo.com

چکیده

این مطالعه با هدف کلی تعیین نقش تجربه خشونت در دوران کودکی و ارتباط میان این تجربه با الگوهای رفتاری زناشویی در بزرگسالی و نیز بررسی تفاوت‌های جنسیتی در الگوهای رفتاری خشونت و صمیمیت در زندگی زناشویی دانشجویان متاهل صورت گرفته است. جامعه آماری این پژوهش از کلیه دانشجویان سه دانشگاه در تهران تشکیل شده است. از این جامعه ۴۳۲ دانشجوی متأهل (۲۶۶ دانشجوی زن و ۲۶۶ دانشجوی مرد)، با روش تصادفی ساده، انتخاب شدند. در این پژوهش، سه پرسشنامه به کار گرفته شد: ۱- پرسشنامه صمیمیت ۲- پرسشنامه خشونت و ۳- پرسشنامه اطلاعات فردی. در تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری t، همبستگی و تحلیل رگرسیون استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد بین زنان و مردان مورد مطالعه از لحاظ ابعاد مختلف صمیمیت تفاوت معنادار وجود ندارد. به رغم وجود شباهت جنسیتی در الگوهای صمیمیت، گروه مردان و زنان مورد مطالعه از لحاظ نمره کل خشونت، خشونت جسمانی و جنسی تفاوت معنادار نشان داده‌اند و از لحاظ خشونت اقتصادی و تجربه خشونت در دوران کودکی تفاوت دو گروه معنادار نیست. بررسی‌های همبستگی نیز نشان می‌دهد که بین صمیمیت و خشونت، همبستگی منفی و معنادار وجود دارد و خشونت به طور کلی و تجربه خشونت در دوران کودکی، قوی‌ترین عوامل پیش‌بینی‌کننده صمیمت زناشویی هستند. نتایج برحسب نظریه‌های مختلف روان‌شناسی مورد بحث قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: خشونت، صمیمیت، تفاوت‌های جنسیتی

مقدمه

می‌دهد [۱]. به دلیل اهمیت و نقش تجربه خشونت در دوران کودکی، خشونت خانوادگی امروزه مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفته است. در اکثر موارد، خشونت در میان خانواده‌ها و در چارچوب روابط نزدیک زناشویی، گزارش شده است و به رغم وجود صمیمیت

در افرادی که در دوران کودکی مورد خشونت قرار می‌گیرند، به دلیل آسیب‌ها و جراحات‌های روان‌شناختی حاصل از این سوءرفتار، طرحواره‌های ذهنی شکل می‌گیرد که رابطه زناشویی بعدی آنها را تحت تأثیر قرار

۱/۲ است [۱۰]. در نخستین پیمایش ملی بر روی نمونه‌ای متشکل از ۲۴۱۰ زن فلسطینی از ناحیه غزه نیز زنان بیشتر از مردان خشونت روان‌شناختی، جسمانی، جنسی و اقتصادی را در طی یکسال قبل از آغاز مطالعه تجربه کرده بودند و در مقایسه با زنانی که تجربه خشونت را نداشتند، اختلال‌های روان‌شناختی، خشم و ترس را بیشتر گزارش دادند [۱۱]. در مطالعه‌ای نتایج نشان داد که خشونت‌های روانی از سوی مردان، خطر ابتلا به افسردگی و اضطراب را در زنان افزایش می‌دهد [۱۲]. همچنین یافته‌های پژوهشی دیگر حاکی از این است که در زنانی که مورد خشونت قرار گرفته‌اند میزان بیشتری از خودکشی، افسردگی و اعتیاد به الکل و مواد مخدر مشاهده شده است [۱۳]. در سایر مطالعات تفاوت‌های جنسیتی در تجربه خشونت در روابط عاطفی و صمیمانه زناشویی گزارش نشده است [۱۴، ۱۵]. شواهد دیگری نیز نشان می‌دهد که به رغم ساختار اجتماعی پدسالارانه که معمولاً خشونت مرد را نسبت به زن مطرح می‌کند، گاه زنان نیز نسبت به مردان انواع خشونت‌ها را اعمال می‌کنند [۱۶]. همچنین تفاوت‌های جنسیتی در الگوهای صمیمیت بین زوج‌ها نیز گزارش شده است در برخی از پژوهش‌ها، نتایج نشان می‌دهد که زنان رفتار صمیمانه‌تری دارند [۱۷] بر اساس برخی از یافته‌ها، رفتار صمیمانه در زنان صرفاً به این دلیل است که صمیمیت به شیوه‌ای زنان و سوگیرانه مفهوم‌سازی و اندازه‌گیری شده است، در غیر این صورت مردان نیز می‌توانند به اندازه زنان در روابط زناشویی صمیمیت نشان‌دهند و در واقع مردان نیز توانایی برقراری روابط صمیمانه را دارا هستند [۱۸]. در پژوهشی که در ایران بر روی صد دانشجوی متأهل انجام شد، نتایج نشان داد که نیاز مردان و زنان در برخی از ابعاد صمیمیت مشابه است و در واقع شاید نقش‌های جنسیتی مبتنی بر انتظارات جامعه و فرهنگ از مردانگی و زنانگی است که تفاوت در الگوهای رفتاری صمیمیت را پدید می‌آورد [۱۹]. نظریه‌های مختلف به تبیین صمیمیت و خشونت در خانواده پرداخته‌اند: به عنوان مثال براساس نظریه‌های

در ارتباط زناشویی رخ می‌دهد که شاید واکنشی نسبت به تهدید تصور شده از کاهش صمیمیت باشد [۲]. روابط صمیمی و پایدار و به دور از خشونت با کودکان و نیز شریک زندگی نقش مهمی در سلامت روانی و جسمانی دارد [۳] و جنبه مهمی از زندگی زناشویی است که مطالعه علمی آن از دهه ۱۹۹۰ آغاز شده است [۴]. صمیمت الگوی رفتاری مهمی است که دارای جنبه‌های عاطفی - هیجانی و اجتماعی است و روابط مبتنی بر پذیرش و رضایت خاطر و عشق را دربرمی‌گیرد [۵]. روان‌شناسان صمیمیت را توانایی برقراری ارتباط بدون کنترل با دیگری و بیان عواطف بدون بازداری تعریف می‌کنند. صمیمیت حق مسلم انسان و حالت طبیعی انسانی است. [۶]. در مدل سه وجهی از عشق نیز، صمیمیت، احساس نزدیکی با دیگری تعریف شده است و بر اساس این مدل، مشارکت عادلانه در زندگی خانوادگی صمیمیت رابه دنبال خواهد داشت [۷]. خشونت خانوادگی نه تنها به رشد و گسترش صمیمیت آسیب می‌رساند بلکه ثبات خانواده و سلامت روان‌شناختی و جسمانی کودکان و زوج‌ها را نیز تهدید می‌کند [۸]. خشونت با برخورداری از خاستگاهی تاریخی - اجتماعی، صمیمیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد [۴]. یکی از جستارهای مهم در پژوهش‌های خانواده این است که آیا تفاوت‌های جنسیتی در الگوهای صمیمیت و خشونت در خانواده‌ها وجود دارد؟ نتایج پژوهش‌های متعددی که تفاوت‌های جنسیتی را در روابط زناشویی بررسی کرده‌اند، متناقض است. برخی از مطالعات تفاوت‌های کمی را گزارش داده‌اند [۹] به هر حال برخی تفاوت‌های کیفی نیز بین مردان و زنان در زمینه‌هایی مثل ابراز علاقه و مدت زمان صرف شده با کودکان و نیز خشونت جسمانی و خشونت جنسی، به دست آمده است. برای مثال، نتایج پژوهشی که که ۳۵ مطالعه را در کشورهای مختلف در سراسر جهان مرور کرده است، نشان می‌دهد که در بسیاری از کشورها نسبت زنانی که از جانب همسران فعلی و یا قبلی خود خشونت جسمانی را متحمل شده‌اند از ۱/۴ تا بیش از

توانایی تنظیم عواطف و هیجانات را در دوران بزرگسالی با مشکلاتی مواجه می‌سازد [۲۵]. به طور کلی مرور جامع مطالعات در اروپا، استرالیا و امریکا نشان می‌دهد که رفتار و روش‌های تربیتی خشونت‌آمیز والدین با رفتار خشونت‌آمیز بعدی کودکان آنها ارتباط دارد. قربانیان خشونت نیز تجارب خشونت‌آمیز بیشتری را در دوران کودکی تجربه کرده‌اند [۲۶]. بر اساس نظریه کیفیت زندگی [۱] در کودکانی که مورد سوءرفتار واقع می‌شوند، طحاره‌هایی شکل می‌گیرد که برخاسته از الگوهای تربیتی اولیه است و در سرتاسر زندگی زناشویی بعدی آنها تأثیر می‌گذارد. هدف مطالعه فعلی، بررسی نقش تجربه خشونت در دوران کودکی و ارتباط میان این تجربه با الگوهای رفتاری زناشویی در بزرگسالی و نیز بررسی تفاوت‌های جنسیتی در الگوهای رفتاری خشونت و صمیمیت در زندگی زناشویی دانشجویان متأهل می‌باشد. همچنین این مطالعه درصدد است که رابطه میان ابعاد مختلف صمیمیت و ابعاد مختلف خشونت را مورد بررسی قرار دهد. ضرورت این مطالعه از آنجا برمی‌خیزد که شناخت الگوهای خشونت در خانواده‌های ایرانی به جهت‌گیری‌های درمانی کمک می‌کند چرا که هر قدر شناخت بیشتری از پویایی‌های روابط زوج‌های متأهل به دست آید، درمان اختلال‌های زناشویی مؤثرتر واقع می‌شود [۲۷]. همچنین شناخت بیشتر الگوهای صمیمیت در میان زوج‌های جوان به رشد و گسترش صمیمیت می‌انجامد، درحالی‌که فقدان صمیمیت عاطفی و اعمال خشونت باعث می‌شود که زوج‌ها تأیید و پذیرش را در خارج از چارچوب روابط زناشویی جستجو کنند [۲۸]. بنابراین با توجه به میزان شیوع خشونت در میان خانواده‌های ایرانی که میزان آن را در ۲۸ شهر ایران ۶۶/۳ درصد گزارش داده‌اند [۱۹ و ۲۹]، شناخت هر چه بیشتر الگوهای خشونت و صمیمیت ضروری به نظر می‌رسد. در مطالعه فعلی براساس چارچوب‌های نظری و مطالعات گزارش شده دو پرسش مطرح است: ۱- آیا تجربه خشونت در دوران کودکی در الگوهای رفتاری زناشویی بعدی نقش دارد؟

تقویت، هر قدر زوج‌ها در حضورهم تقویت دریافت کنند، صمیمیت آنها افزایش می‌یابد [۱۷]. در نظریه برابری به موضوع عدالت و انصاف در رابطه تأکید می‌شود. در این نظریه حتی زوج‌هایی که سود بیشتری از رابطه به دست می‌آورند به دلیل احساس گناه نمی‌توانند احساس صمیمیت به یکدیگر پیدا کنند و در صورتی هم که احساس کنند کمتر از دیگری سود برده‌اند، به دلیل خشم نمی‌توانند با شریک زندگیشان صمیمی شوند و تنها در صورت روابط برابر است که صمیمیت شکل می‌گیرد [۲۰]. نظریه روان‌کاوی [۲۱] نیز رفتار پرخاشگرانه را تبیین کرده است. تبیین فروید بالینی و درون روانی است. فروید به تفاوت‌های جنسیتی در خشونت اعتقاد دارد و آزارگری را ویژگی الزامی رشد و تحول طبیعی مردان و آزارطلبی را ویژگی زنانه می‌داند. در نظریه سیستم‌ها، همه اعضا خانواده در حفظ وضع موجود نقش دارند و خشونت درزوج‌ها ناشی از قواعد، نقش‌ها و تعامل‌های انعطاف‌ناپذیر آنها است [۲۲]. نظریه پردازان طرفدار حقوق زنان به نظریه‌های سیستمی انتقاد کرده‌اند و معتقداند که تنها هنگامی سیستم خانواده تغییر خواهد کرد که دریابیم کتک زدن مسئولیت منحصر به فرد مردان است و شرایط سیاسی - اجتماعی تأثیر مستقیم بر حفظ این رفتار دارد [۲۳]. در نظریه دلبستگی [۲۴]، خشونت حاصل الگوهای دلبستگی منفی فعال هر دو زوج است. بنابراین مبتنی بر نظریه‌های مختلف صمیمیت و خشونت می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که روابط صمیمی و خشونت‌آمیز در خانواده در چارچوب نظام‌های وسیعی قرار دارد و پویایی‌های تعاملی زوج‌ها از مولفه‌های گوناگون برخوردار است. مطالعات علمی همچنین اثرات جدی خشونت خانوادگی را بر کودکان نیز تأیید کرده‌اند. پسرانی که شاهد ضرب و شتم مادران خود بودند، ۲۴ بار بیشتر از پسرانی که شاهد چنین خشونت نبوده‌اند، خود مرتکب خشونت جنسی شده‌اند و دختران و پسرانی که شاهد کتک خوردن مادران خود بوده‌اند ۶ برابر سایر کودکان مرتکب جرایم خشونت‌آمیز شده‌اند [۴]. تجارب خشونت‌آمیز در دوران کودکی

۲- آیا تفاوت‌های جنسیتی در الگوهای صمیمیت و خشونت مطرح است و ارتباط میان الگوهای رفتاری خشونت و صمیمیت چیست؟ براساس این پرسش‌ها دو فرضیه مطرح است: ۱- تجربه خشونت در دوران کودکی در الگوهای رفتاری زناشویی بعدی تأثیر می‌گذارد ۲- تفاوت‌های جنسیتی در الگوهای خشونت و صمیمیت وجود دارد و ۳- الگوهای رفتاری خشونت و صمیمیت با یکدیگر ارتباطی ندارند.

روش

نوع پژوهش: این پژوهش، پژوهشی توصیفی-تحلیلی و از نوع همبستگی است. پدیده مورد بررسی ارتباط میان تجربه خشونت در دوران کودکی و الگوهای رفتاری خشونت و صمیمیت زناشویی و تفاوت‌های جنسیتی در الگوهای صمیمیت و خشونت در دو گروه از دانشجویان متأهل است.

آزمودنی‌ها: جامعه آماری را در این پژوهش، کلیه دانشجویان متأهل سه دانشگاه در تهران (دانشگاه الزهراء، دانشگاه علامه و دانشگاه شهید بهشتی)، تشکیل داده است. از این جامعه ۴۳۲ دانشجوی متأهل (۲۶۶ دانشجوی زن و ۲۶۶ دانشجوی مرد)، با روش تصادفی ساده، انتخاب شدند. دانشجویان در دامنه سنی ۱۸ - ۴۵ سال (میانگین سنی ۲۲/۸ سال و انحراف استاندارد ۵/۶) قرار داشتند و میانگین طول مدت ازدواج آنها ۲ سال و ۴ ماه گزارش شده است.

شیوه تحلیل داده‌ها: نتایج بر اساس برنامه آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و از آزمون‌های آماری، همبستگی و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

ابزارهای تحقیق

۱- پرسشنامه صمیمیت زناشویی [۳۰]: پرسشنامه حاضر در برگیرنده ۵۶ عبارت است که پنج شاخص صمیمیت، یعنی میزان توافق، صادق بودن، تعهد و

مشکلات صمیمیت، را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این پرسشنامه دارای یک نمره کل نیز می‌باشد که شاخص صمیمیت به طور کلی است. واری‌های مبتنی بر روان سنجی بیانگر اعتبار و پایایی مناسب پرسشنامه صمیمیت زناشویی در نمونه‌های ایرانی بوده است. پایای آن به شیوه آزمون - آزمون مجدد با فاصله دو هفته ۰/۸۵ می‌باشد و اعتبار آن بر اساس ضریب آلفای کرونباخ برای چهار گزینه صمیمیت ۰/۸۳، توافق ۰/۸۸، صادق بودن ۰/۷۱، علاقه ۰/۷۴، و تعهدات ۰/۸۴، گزارش شده است [۳۱].

همچنین در مطالعه دیگری اعتبار همگرایی پرسشنامه یاد شده با پرسشنامه نیازهای صمیمیت زناشویی [۳۲] توسط سی زوج مورد واری‌های قرار گرفته که نتایج به دست آمده نشانگر وجود همبستگی برابر با ۰/۶۵ ($p < ۰/۰۰۱$) بین دو پرسشنامه بوده است [۱۹]. بنابراین اعتبار و پایایی پرسشنامه یاد شده در نمونه‌های ایرانی مناسب ارزیابی شده است. پاسخگویی به هر یک از پرسش‌ها در یک مقیاس چهار درجه‌ای از خیلی زیاد تا خیلی کم صورت گرفته است.

۲- پرسشنامه سنجش خشونت: پرسشنامه سنجش خشونت، این پرسشنامه ابتدا توسط حاج یحیی تدوین شده است [۱۱]. این پرسشنامه دارای ۳۲ عبارت و ۴ خرده مقیاس می‌باشد. خرده مقیاس نخست برای سنجش خشونت روانی، خرده مقیاس‌های بعدی بترتیب جهت سنجش خشونت جسمانی، خشونت جنسی و خشونت اقتصادی است. ضریب پایایی برای چهار عامل آزمون حاج یحیی، به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۸۶، ۰/۹۳، و ۰/۹۲ است. اعتبار این پرسشنامه نیز توسط چند تن از اساتید تأیید شده است و ضریب پایایی درونی آن (آلفا کرونباخ) با استفاده از نمونه ۶۰ نفری ۰/۹۷ گزارش شده است [۳۳]. همچنین اعتبار همگرایی این پرسشنامه با پرسشنامه افکار آسیب رساندن به همسر حاکی از همبستگی معنادار ۰/۳۶ ($p < ۰/۰۱$) است [۳۴]

در مطالعه فعلی، پرسشنامه سنجش خشونت محقق ساخته با اقتباس از پرسشنامه خشونت حاج یحیی و با افزودن مقیاس تجربه خشونت در کودکی (۷ ماده) و برخی تغییرات دیگر تدوین شده است. با توجه به اینکه پژوهش در زمینه خشونت حاکی از این است که تجربه خشونت در دوران کودکی با خشونت در بزرگسالی ارتباط دارد [۲۶ و ۲۵]، گسترش یاد شده در مورد پرسشنامه حاج-یحیی [۳۲] انجام شد. بنابراین پرسشنامه محقق ساخته فعلی دارای ۳۴ عبارت است و علاوه بر چهار خرده مقیاس قبلی دارای خرده مقیاسی جهت سنجش تجربه خشونت دوران کودکی نیز می باشد. همسانی درونی این پرسشنامه در یک نمونه ۶۰ نفری ۰/۹۷ گزارش شده است. اعتبار همگرای آن علاوه بر تأیید اعتبار محتوی آن توسط گروهی از اساتید روان شناسی، براساس رابطه با پرسشنامه خشونت حاج یحیی [۳۲] در یک نمونه ۳۰ تایی از زوج ها محاسبه گردید که همبستگی آن ۰/۷۳ ($p < ۰/۰۰۱$) بود. از سوی دیگر همبستگی سؤالها با نمره کل پرسشنامه و خرده مقیاس ها با یکدیگر نیز بیانگر رابطه معنادار است ($P < ۰/۰۰۱$). نتایج آزمون-آزمون مجدد پرسشنامه با فاصله زمانی دو هفته نیز حاکی از پایایی مناسب آزمون بوده است ($r = ۰/۶۳, p < ۰/۰۱$). همچنین مصاحبه نیمه سازمان یافته و نیز سؤالات مربوط به تجربه خشونت کودکی در پرسشنامه اطلاعات فردی، در تأیید اعتبار پرسشنامه خشونت محقق ساخته است. پاسخگویی به پرسش ها بر مبنای خودسنجی در یک مقیاس رتبه بندی سه درجه ای هیچوقت، گاهی و همیشه صورت گرفته است.

۳- پرسشنامه اطلاعات فردی که شامل اطلاعات جمعیت شناسی گروه مورد مطالعه است و سوابق آزمودنی های مورد مطالعه را از قبیل سن، سطح تحصیلات، مدت زمان ازدواج، محل اقامت طی ده سال اخیر، مذهب، تعداد اعضای خانواده، شغل و درآمد متوسط ماهانه هر یک از زوج ها و نیز تجربه خشونت

کودکی را بررسی می کند. این پرسشنامه جهت تعیین تجانس گروه مورد مطالعه به کار گرفته شد. نتایج نشان داد که گروه مورد مطالعه از لحاظ متغیرهای جمعیت شناختی تفاوت معنادار با یکدیگر ندارند و گروه نسبتاً متجانسی هستند. پس از اجرای پرسشنامه اطلاعات فردی و تعیین ویژگی های جمعیت شناختی نمونه مورد مطالعه، و براساس شیوه گردآوری اطلاعات در پژوهش های توصیفی پرسشنامه های صمیمیت زناشویی و خشونت توسط هر یک از زوج ها به طور جداگانه و به شکل گروهی به اجرا درآمد.

نتایج

در جدول ۱، میانگین، انحراف معیار، آزمون t نمرات صمیمیت زناشویی، خشونت نشان داده شده است.

همانگونه که نتایج نشان می دهد، بین زنان و مردان مورد مطالعه از لحاظ ابعاد مختلف صمیمیت تفاوت معنادار به دست نیامده است. این دو گروه از لحاظ نمره کل صمیمیت و ابعاد مختلف صمیمیت یعنی احساس نزدیکی، توافق، صداقت، علاقه و تعهد تفاوت معنادار با یکدیگر نداشتند. برغم وجود شباهت جنسیتی در الگوهای صمیمیت، گروه مردان و زنان از لحاظ نمره کل خشونت ($t = -۲/۸۳۲, p < ۰/۰۵$) خشونت جسمانی ($t = -۲/۱۱, p < ۰/۰۳۶$) و جنسی ($t = -۱/۹۵, p < ۰/۰۵$) تفاوت معنادار نشان داده اند و از لحاظ خشونت اقتصادی ($t = -۲/۷۳, p < ۰/۰۶۸$) و تجربه خشونت دوران کودکی ($t = -۱/۸۷, p < ۰/۰۶۲$) تفاوت دو گروه اگر چه معنادار نیست اما گرایش به سمت معنادار بودن را نشان داده است. بررسی میانگین ها حاکی از این است که میانگین نمره کل خشونت و خشونت جسمانی و جنسی در مردان متاهل بیشتر از زنان است.

در جدول ۲، همبستگی نمرات خشونت و صمیمیت در دانشجویان متاهل نشان داده شده است.

بررسی همبستگی ها در جدول ۲ نشان می دهد که نمره کل خشونت و خشونت روان شناختی، جنسی، اقتصادی و تجربه خشونت در دوران کودکی با نمره کل

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار، درجه آزادی، آزمون t و سطح معناداری، آزمون صمیمیت زناشویی و آزمون خشونت

| شاخصها متغیرها | دانشجویان مرد (N=۲۶۶) | | | دانشجویان زن (N=۲۶۶) | | | t | درجه آزادی | سطح معناداری |
|-------------------------|-----------------------|-------|--------------|----------------------|-------|--------------|-------|---------------|-----------------|
| | میانگین | تعداد | انحراف معیار | میانگین | تعداد | انحراف معیار | | | |
| احساس نزدیکی | ۳۷/۰۹ | ۲۰۵ | ۷/۹۱ | ۳۷/۷۱ | ۲۰۵ | ۷/۹۲ | -۰/۷۹ | ۴۰۸ | ۰/۴۲ |
| توافق | ۳۴/۴۱ | ۲۰۶ | ۷/۹۱ | ۳۳/۸۱ | ۲۰۵ | ۷/۹۹ | ۰/۷۶ | ۴۰۹ | ۰/۴۴ |
| صداقت | ۳۲/۷۱ | ۲۰۶ | ۷/۱۶ | ۳۲/۳۵ | ۲۰۵ | ۷/۱۸ | ۰/۵۱ | ۴۰۹ | ۰/۶۱ |
| علاقه | ۲۴/۴۱ | ۲۰۶ | ۵/۳۵ | ۲۴/۵۸ | ۲۰۵ | ۵/۶۹ | ۰/۳۳ | ۴۰۹ | ۰/۷۴ |
| تعهد | ۲۹/۱۹ | ۲۰۶ | ۶/۴۱ | ۲۹/۵۵ | ۲۰۵ | ۶/۲۴ | ۰/۵۷ | ۴۰۹ | ۰/۵۶ |
| نمره کل صمیمیت | ۱۵۸/۱ | ۲۰۵ | ۳۰/۱۹ | ۱۵۸/۶۷ | ۲۰۶ | ۳۱/۸۸ | ۰/۱۸ | ۴۰۹ | ۰/۸۵ |
| خشونت روان‌شناختی | ۲۱/۴۳ | ۱۹۹ | ۶/۶۹ | ۲۱/۹۵ | ۲۰۳ | ۶/۰۸ | ۰/۸۲ | ۴۰۰ | ۰/۴۱ |
| خشونت جسمانی | ۸/۱۴ | ۱۹۹ | ۳/۰۸ | ۷/۶۴ | ۲۰۳ | ۱/۸۵ | ۱/۹۵ | ۴۰۰ | ۰/۰۵ |
| خشونت جنسی | ۲/۵۷ | ۱۹۹ | ۱/۱۴ | ۲/۳۶ | ۲۰۱ | ۰/۸۳ | -۲/۱۱ | ۳۹۸ | ۰/۰۳۶ |
| خشونت اقتصادی | ۲/۳۸ | ۱۹۸ | ۱/۰۱ | ۲/۱۴ | ۲۰۳ | ۰/۶۹ | -۲/۷۳ | ۳۹۸ | ۰/۰۶۸ |
| تجربه خشونت در کودکی | ۱۰/۴۹ | ۱۹۹ | ۲/۶۵ | ۱۰/۰۲ | ۲۰۴ | ۲/۳ | -۱/۸۷ | ۴۰۱ | ۰/۰۶۲ |
| نمره کل خشونت | ۴۲/۴۴ | ۱۹۹ | ۱۱/۲۱ | ۳۹/۳۵ | ۲۰۳ | ۱۰/۶۵ | -۲/۸۳ | ۴۰۰ | ۰/۰۵ |

جدول ۲. همبستگی میان نمرات صمیمیت و خشونت در دانشجویان متاهل (N=۴۳۲)

| ابعاد خشونت ابعاد صمیمیت | خشونت روان‌شناختی | خشونت جسمانی | خشونت جنسی | خشونت اقتصادی | تجربه خشونت کودکی | نمره کل خشونت |
|-----------------------------|----------------------|-----------------|------------|---------------|----------------------|---------------|
| احساس نزدیکی: | -۰/۳۴ ** | -۰/۰۹ | -۰/۲۳ ** | -۰/۱۹ ** | -۰/۲۲ ** | -۰/۲۹ ** |
| (تعداد) | (۳۸۳) | (۳۸۳) | (۳۸۱) | (۳۸۱) | (۳۸۴) | (۳۸۳) |
| توافق: | -۰/۴۵ ** | -۰/۱۲ * | -۰/۲۴ ** | -۰/۳ ** | -۰/۲۵ ** | -۰/۳۶ ** |
| (تعداد) | (۳۸۴) | (۳۸۴) | (۳۸۲) | (۳۸۲) | (۳۸۵) | (۳۸۴) |
| صداقت | -۰/۳۵ ** | -۰/۱۲ * | -۰/۱۷ ** | -۰/۲۱ ** | -۰/۱۷ ** | -۰/۲۹ ** |
| (تعداد) | (۳۸۴) | (۳۸۴) | (۳۸۲) | (۳۸۲) | (۳۸۵) | (۳۸۴) |
| علاقه: | -۰/۴۱ ** | -۰/۰۹ | -۰/۱۶ ** | -۰/۲۵ ** | -۰/۲۴ ** | -۰/۳۳ ** |
| (تعداد) | (۳۸۴) | (۳۸۴) | (۳۸۲) | (۳۸۲) | (۳۸۵) | (۳۸۴) |
| تعهد: | -۰/۳۴ ** | -۰/۰۶ | -۰/۱۷ ** | -۰/۲۵ ** | -۰/۲۴ ** | -۰/۳۱ ** |
| (تعداد) | (۳۸۴) | (۳۸۴) | (۳۸۲) | (۳۸۲) | (۳۸۵) | (۳۸۴) |
| نمره کل صمیمیت: | -۰/۴۲ ** | -۰/۱۱ * | -۰/۲۳ ** | -۰/۲۸ ** | -۰/۲۷ ** | -۰/۳۵ ** |
| (تعداد) | (۳۸۴) | (۳۸۴) | (۳۸۲) | (۳۸۲) | (۳۸۵) | (۳۸۴) |

**p<۰/۰۱ *p<۰/۰۵

جدول ۳. خلاصه مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون صمیمیت بر متغیرهای مربوط به ابعاد مختلف خشونت

| شاخص معدل | مجموع مجزورات | درجه آزادی | مجدور میانگین‌ها | F | R | R ² | درجه معناداری |
|-----------|---------------|------------|------------------|-------|-----|----------------|---------------|
| رگرسیون | ۸۸۲۰۸/۷ | ۶ | ۱۴۷۰۱/۴۲ | ۲۰/۶۳ | ۰/۵ | ۰/۲۵ | ۰/۰۰۰ |
| باقیمانده | ۲۶۴۳۹۹/۷ | ۳۷۱ | ۷۱۲/۶۷ | | | | |
| کل | ۳۵۲۶۰۸/۴ | ۳۷۷ | | | | | |

جدول ۴. ضرایب رگرسیون متغیرهای پیش‌بینی‌کننده صمیمیت

| سطح معناداری | t | ضرایب استاندارد شده | | شاخص متغیر |
|--------------|-------|---------------------|-----------------------|-------------------|
| | | Beta | خطا β استاندارد | |
| ۰/۰۰۰ | ۳/۹۳ | ۰/۲۵ | ۰/۷۵ | خشونت جسمانی |
| ۰/۰۰۰ | -۴/۸۵ | -۰/۳۸ | ۰/۳۷ | خشونت روان‌شناختی |
| ۰/۵۹ | -۰/۵۴ | -۰/۳ | ۱/۷ | خشونت جنسی |
| ۰/۰۲ | -۲/۳۴ | -۰/۱ | ۱/۹۲ | خشونت اقتصادی |
| ۰/۰۲ | -۳/۱۹ | -۰/۱۶ | ۰/۶۱ | تجربه خشونت کودکی |
| ۰/۳ | -۰/۹۵ | -۰/۰۹ | ۰/۲۶ | خشونت کل |

روان‌شناختی ($\beta = -0.38$)، اقتصادی ($\beta = -0.1$)، نمره کل خشونت ($\beta = -0.09$) و تجربه خشونت در دوران کودکی ($\beta = -0.16$)، با توجه به آماره‌های t با اطمینان ۰/۹۹ تغییرات مربوط به صمیمیت را پیش‌بینی می‌کنند، یعنی کاهش خشونت در ابعاد ذکر شده، با افزایش صمیمیت در زندگی زناشویی مرتبط است و خشونت روان‌شناختی بیشترین تأثیر را در تبیین متغیر وابسته یعنی صمیمیت دارد و پس از آن به ترتیب خشونت جسمانی و تجربه خشونت در دوران کودکی بیشترین نقش را در تبیین صمیمیت ایفا می‌کند.

بحث نتایج

تحلیل داده‌ها حاکی از این است که دامنه تغییرپذیری در صمیمیت زناشویی از لحاظ جنسیتی تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد. این نتایج نظام طرحواره‌های جنسیتی را مبنی بر اینکه صمیمیت صرفاً با زنان و زنانگی همراه است، نقض می‌کند [۳۵]. روابط مردان نیز به اندازه زنان صمیمانه است و مردان نیز فاقد صمیمیت نیستند [۱۸]. این نتیجه بخشی از فرضیه دوم پژوهش را در مورد

صمیمیت و سایر ابعاد آن همبستگی منفی و معنادار نشان می‌دهد و خشونت جسمانی نیز با توافق، صداقت و نمره کل صمیمیت همبستگی معنادار و منفی دارد. همچنین رابطه خشونت به طور کلی و تجربه خشونت در دوران کودکی زوج‌های متاهل و خشونت جسمانی، روان‌شناختی، جنسی و اقتصادی به عنوان متغیرهای پیش‌بین و نمره کل صمیمیت به عنوان متغیر ملاک در معادله رگرسیون تحلیل شد. نتایج تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون بین ابعاد خشونت و صمیمیت در جدول ۳ و ۴ ارائه شده است.

همانگونه که جداول ۳ و ۴ نشان می‌دهد در آزمون رگرسیون چند متغیره ۶ متغیر خشونت جسمانی، روان‌شناختی، جنسی و اقتصادی نمره کل خشونت و تجربه خشونت در دوران کودکی وارد معادله شد که روی هم ۲۵ درصد از تغییرات صمیمیت را تبیین می‌کنند ($R^2 = 0.25$). براساس نتایج در جدول ۳، میزان F مشاهده شده، معنادار است ($p < 0.001$) و واریانس مربوط به صمیمیت به وسیله متغیرهای خشونت تبیین می‌شود. ضرایب تأثیر خشونت جسمانی ($\beta = 0.25$)،

تأیید نظریه سیستمی خانواده نشان می‌دهد که همه اعضا خانواده در ایجاد خشونت نقش دارند و در روابط خشونت‌آمیز هیچ قهرمان یا قربانی وجود ندارد و هر یک از زوجها در تعامل با دیگری در چارچوب کلی تعادل خانواده به عنوان یک کل عمل می‌کند [۴]. بنابراین به نظر می‌رسد که زنان و مردان میزان مشابهی از خشونت روان‌شناختی و اقتصادی را در روابط زناشویی تجربه می‌کنند و هر دو نسبت به یکدیگر خشونت می‌ورزند، چرا که رفتار خشونت‌آمیز در مقایسه با پایان دادن به ارتباط و پیامدهای قانونی آن شیوه مطمئن‌تری برای بیان نارضایتی آنهاست. عدم تفاوت معنادار در برخی از ابعاد خشونت دیدگاه جنسیتی را نسبت به خشونت به عنوان یک صفت خاص جنسیتی به سوی دیدگاهی تغییر می‌دهد که در آن پاسخ خشونت در چارچوب پویایی‌های سیستم خانواده رخ می‌دهد و شبکه ارتباطی متقابلی وجود دارد که خشونت را پدید می‌آورد، به گونه‌ای که زوجها هر دو در چرخه‌ای گرفتار میشوند که عدم مهارت‌های ارتباطی و ناایمنی عاطفی یکدیگر را از طریق خشونت تقویت می‌کنند [۲۲]. همچنین نتایج در تأیید نظریه کیفیت زندگی [۱] است و تأثیر تجربه خشونت را در دوران کودکی در برقراری روابط صمیمانه در زندگی زناشویی نشان می‌دهد و بر نقش والدین تأکید می‌کند. این یافته در تأیید فرضیه اول پژوهش است و حاکی از این است که تجربه اولیه خشونت بر الگوهای رفتاری بعدی در زندگی زناشویی تأثیر دارد. در واقع کودکان ماهیت ارتباط را از والدین می‌آموزند. روابط خشونت‌آمیز والدین با یکدیگر انتظارات کودکان را از روابط صمیمانه بعدی شکل می‌دهد [۲۶]. وجود همبستگی منفی بین ابعاد صمیمیت و خشونت فرضیه دوم پژوهش را رد می‌کند و ارتباط منفی بین خشونت و صمیمیت را در ازدواج نشان می‌دهد و در تأیید نظریه تقویت [۱۷] و نظریه برابری [۲۰] است. به عبارت دیگر خشونت و صمیمیت ساختارهای مستقل نیستند و ارتباط متقابل منفی با یکدیگر دارند. صمیمیت و خشونت چند بعدی و

وجود تفاوت‌های جنسیتی در الگوهای صمیمیت، رد می‌کند. عدم تفاوت معنادار بین زنان و مردان در ابعاد مختلف صمیمیت در راستای برخی از یافته‌های جهانی است که بر شباهت میان زنان و مردان در روابط صمیمانه تأکید کرده‌اند و معتقدند که زنان و مردان اهمیت یکسانی برای روابط صمیمانه قائل هستند [۱۷]. بنابراین شباهت‌های جنسیتی در نیازهای صمیمیت در میان زوجها وجود دارد. همه رفتارهایی که باعث نزدیکی زوجها به هم می‌شود به انطباق آنها با جهان، بیشتر کمک می‌کند. این نزدیکی و شباهت میان زوجها کارکرد تعادل بخش دارد و بر اساس نظریه دلبستگی، صمیمیت احساس امنیت پدید می‌آورد و باعث می‌شود تا زوجها برای تداوم رابطه‌شان ارزش قائل شوند، [۲۴]. چندین تبیین برای این نتیجه مطرح است: اول اینکه هم مردان و هم زنان نیاز یکسانی به صمیمیت دارند اما مردان به نظر می‌رسد که در کاربرد رفتارهای صمیمانه و ابراز آن متفاوت عمل می‌کنند و زنان به نظر می‌رسد صمیمی‌تر رفتار می‌کنند چون صمیمیت به گونه‌ای زنانه تعریف شده است [۱۷]. دوم اینکه شاید در این مطالعه چون زنان و مردان در سال‌های اول زندگی مشترکشان بوده‌اند صمیمیت یکسان نشان داده‌اند و در آینده ممکن است در الگوهای صمیمیت آنها تغییر ایجاد شود. نتایج در زمینه خشونت نیز بخشی دیگر از فرضیه دوم پژوهش را مبنی بر وجود تفاوت‌های جنسیتی در الگوهای رفتاری خشونت تأیید کرده است: مردان و زنان از لحاظ اعمال خشونت جسمانی با یکدیگر تفاوت دارند و زنان بیشتر مورد خشونت جسمانی قرار دارند. این نتیجه در راستای سایر مطالعات جهانی است [۱۶ و ۳۶] این تفاوت به جامعه‌پذیری متفاوت زنان و مردان مربوط است و بسط منطقی نقش‌های جنسیتی است و ریشه در توزیع نابرابر قدرت میان زنان و مردان دارد. عدم تفاوت معنادار در برخی دیگر از ابعاد خشونت مثل خشونت روان‌شناختی و یا گرایش به سمت تفاوت معنادار در ابعاد خشونت اقتصادی و تجربه خشونت در دوران کودکی، فرضیه تفاوت‌های جنسیتی را رد می‌کند و در

10. Heise, L. (1993). Violence against women: The hidden health burden. *World Health Quarterly*, 49: pp.78-85.
11. Haj-Yahia, M.M. (1999). Wife abuse and its psychological consequences as revealed by the first Palestinian national survey on violence against women. *Journal of Family Psychology*, 13: pp.642-662.
12. Tang, C.S.K. (1998) Psychological abuse of Chinese wives. *Journal of Family Violence*, 13 (3).
13. Golding, J.M. (1999) Intimate partner violence a risk factor for mental disorders: A meta analysis. *Journal of family violence*, 14(2). PP.99-101.
14. Bagner, D.M., Strch, E.A., Preston, A.S. (2007). Romantic relational aggression: What about gender. *Journal of Family Violence*, 22: pp.19-24.
15. Linder, J.R., Crick, N.R., & Collins, W.A. (2002). Relational aggression and victimization in young adult's romantic relationships. *Social Development*, 11: pp.69-86.
16. Chrisler, J.C., Golden, C., Rozee, P. (ed.) (2000). *Psychology of women*, New York: McGraw-Hill Higher Education.
17. Fehr, B. (ed.) (1996). *Friendship processes*. London: Sage Publications.
18. Rawlins, W. K. Communication in cross – sex friendship. (1993) In: A.Arliss & D.Borisoff, (ed.) *Women and men communicating: Challenges and changes*; Fort Worth: Harcourt Brace Jovanovich: pp.51 – 70.
۱۹. خمسه، اکرم، حسینیان سیمین. (۱۳۸۷) بررسی الگوهای صمیمیت در دانشجویان متاهل: مطالعات زنان، سال ۶، شماره ۱، صص ۳۵-۵۲
20. Hatfield, E., & Traumpton, J. (1981). Intimate relationships: A Perspective from equity theory. In: S.W.Duck & R.Gilmour, (ed.) *Personal relationships: Vol.1. Studying personal Relationships*. London: Academic Press: pp. 165- 178
21. Freud, S. (1974). Some psychical consequences of the anatomical distinction between the sexes. In: *The standard edition of the complete psychological works of Sigmund Freud*. vol.19. London: Hogarth Press and the Institute of Psychoanalysis: p.1070.
22. Phyllis, E.Caffery, T. (ed.) (2003). *Attachment and family systems*. New York: Brunner-Rutledge.
23. Hansan, M. Feminism and family therapy: A review of feminist critiques of approaches to family violence. In: M. Hansen & M. (ed.) (1993). *Battering*

چندوجهی هستند و در سطوح مختلف تجربه می‌شوند. خشونت واکنشی نسبت به تهدید حاصل از کاهش صمیمیت است [۲]. مشارکت برابر در خانواده فشار کمتری بر اعضای خانواده میگذارد و صمیمیت را می‌افزاید. همه تجارب خشونت‌آمیز و خصوصا خشونت روان‌شناختی کاهش صمیمیت را به دنبال دارد. زوج‌ها می‌توانند با توجه به نیاز یکسان به صمیمیت با هم در پروراندن صمیمیت در روابطشان مشارکت کنند و تعارض‌های خشونت‌آمیز خود را نسبت به کودکان و نیز نسبت به یکدیگر با ابراز صمیمیت کنترل نمایند.

پیشنهاد می‌شود مراکز مشاوره دانشجویی از انواع خطرات خشونت در خانواده و نقش تجربه خشونت دوران کودکی بر الگوهای رفتار زناشویی در بزرگسالی و تفاوت‌ها و جنسیتی در این زمینه آگاهی بیشتری یابند و خدمات درمانی و مشاوره‌ای را در جهت افزایش صمیمیت و آموزش کنترل خشم ارائه دهند.

منابع

1. Frisch, M. (ed.) (2006). *Quality of life therapy* New Jersey: John Wiley & sons.
2. Vaknin, S. (ed.) (2007). *Malignant self love, narcissism revisited*, London: Baren and Nobel.
3. Jacobson, N. (1993). Introduction to special section on couples and couple therapy, *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, (1)P.5.
4. Barnes, G. G. (ed.) (1998). *Family therapy in changing times*, New York: Pal-Grave Company
5. Tenhouten, W. D. (ed.) (2007). *A general theory of emotions and social life*. London: Rutledge
6. Blume, T. W. (ed.) (2006). *Becoming a family counselor, a bride to Family therapy, theory and practice*. New- Jersey: John Wiley & Sons.
7. Brannon, L. (ed.) (2002). *Gender psychological perspectives*, London: Allyn & Bacon.
8. Ammerman, R.T. (ed.) (1999). *Assessment of family violence a clinical and legal sourcebook* New York: John Wiley & Sons.
9. Rhyne, D. (1981). Bases of marital satisfaction among men and women. *Journal of Marriage and the Family*, 43, 9, PP.41-955.

30. Van den Broucke S, Vertommen H. (1995). Marital Intimacy Questionnaire (MIQ). *Journal of marriage and the family*, 50(1): pp. 93-98.
۳۱. امیری، ربابه (۱۳۸۴). ارتباط بین عمل به باورهای دینی و میزان صمیمیت زنان دانشجویی با همسران شان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
32. Bagarozzi, D.A. (ed.) (2001). *Enhancing intimacy in marriage: A clinical's Handbook*. London: Rutledge.
۳۳. مافی، مهوش (۱۳۸۱). بررسی ویژگی‌های روان‌شناختی مرتکبین خشونت خانوادگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا.
۳۴. خسروی، زهره (۱۳۸۳). بررسی رابطه همسر آزاری با تمایل به افکار خودکشی و آسیب‌رسانی به همسر در زنان شهر تهران، مطالعات زنان، سال ۲، عرص ۹۹-۱۱۳.
35. Hyde. J. (ed.) (1996). *Half the human experience the psychology of women*. Lexington: D.C. Health and Company.
36. Strauss, M.A. (1980). *Stress and child abuse*. In: H.Kemp and E.Helfer, (ed.), *Battered child*. Chicago. ZL: University of Chicago Press
- and Family Therapy: A feminist perspective Newbury Park, CA: Sage: pp.69-81.
24. Bowlby, J. A. (ed.) (1988). *secure base: Parent –child attachment and Healthy human development*. New York: Basic Books Publisher, Inc.
25. McDonald.R. Joyrides, E.N., Briggs-Gowan, M., Carter, A. (2007). Violence towards a family member, *Journal of Family Psychology*. Vol.21.2:pp.176-184.
26. Gehring, T.M., Debrey, M., Smith, K.P. (ed.) (2001). *The Family system fast theory and application*. New York: Routledge.
27. Gottman, J.M. (1993). The roles of conflict engagement escalation, and avoidance in marital interactions: A longitudinal view of five types of couples, *Journal of Consulting and Clinical Psychology*. 6(1):pp. 6-15.
28. Haslam, C. (2000). A phenomenological study of the childhood and spousal attachment experiences of couples who have experience violence in their relationships. *Dissertation Abstracts International*. 61: p. 1307
29. Bina, M. (2008). Domestic violence in Iran. *Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences* 2 (1): pp. 1-3.